

اصلاح الگوی مصرف در چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه مدلها و راهکارها

تملیل از دکتر حمید اروانه

دفتر بررسیهای اقتصادی و تعرفه های شرکت مخابرات ایران

مصرف هدف فعالیتهای اقتصادی است زیرا که مصرف تولید را تشویق می‌کند و نتیجه فعالیتهای تولیدی رسیدن به اشتغال و تعادل اقتصادیست.

مع الوصف مصرف به تنهایی یک هدف نیست زیرا که یک جامعه مصرفی بدون توجه به ایجاد ظرفیتهای تولیدی همواره از مزایای تقاضا، کمبود محصول و افزایش قیمتها در رنج خواهد بود. چنین جامعه‌ای به منظور مهار مصرف به سیستم جیره‌بندی متوسل می‌شود که نتیجه آن تشکیل بازار سیاه و پیدایش دوگانگی در قیمتها خواهد بود. هر چند که واردات کالا میتواند کمبود محصول را در بازارها جبران نماید ولی یک مصرف بی‌هدف ضمن کاهش ذخایر ارزی و افزایش بدهیهای خارجی به عدم تعادل پولی - ارزی کشور و فقر اقتصادی منجر می‌شود. پس مصلحت یک جامعه دور اندیش در این است که از مصرف غیر ضروری کاسته و با توجه به ایجاد ارزش افزوده در جامعه، جانب تولید را تقویت نماید.

لازمه تولید نیز سرمایه‌گذاری است که ضمن ایجاد ظرفیتهای جدید اقتصادی به اشتغال و مصرف بیشتر در آینده نیز کمک می‌کند.

از اینرو با آغاز انقلاب اقتصادی کینز (*John Maynard Keynes*) در دهه ۱۹۳۰ میلادی و توجه به ساماندهی مصرف در کشورهای بحران زده صنعتی، پیوند بهره‌وری با توسعه اقتصادی نیز شروع شد. امروزه بهره‌وری بخش بسیار ضروری توسعه است. بهره‌وری باید موجب مصرف بهینه منابع ملی و به حداکثر رساندن بازگشت آنها باشد. این یک الزام برای تحقق اهداف ملی اقتصادی، ایجاد ثروت ملی، افزایش رقابت پذیری کسب و کار و بهبود کیفیت زندگی مردم است.

در کشورهای عضو سازمان بهره‌وری آسیایی اقدامات گوناگون برای پیوند زدن بهره‌وری با توسعه صورت گرفته است. کارهای مشترک این کشورها عبارتند از:

آمیختن اهداف بهره‌وری با طرحهای توسعه ملی، برپا نمودن جنبش ملی بهره‌وری، اعطای جوایز به سازمانهای دارای برنامه‌های برجسته افزایش بهره‌وری، مطرح نمودن بهره‌وری بعنوان موضوعی اجتماعی در سر فصل درسی مدارس و آموزش بهره‌وری به مردم از طریق رسانه‌ها خصوصاً تلویزیون از جمله اقداماتی است که سازمان ملی بهره‌وری ایران قبلاً باتلاش و کوشش آغاز نموده است. در این راستا، مراسم روز بهره‌وری در روز دو شنبه مورخ ۱۳۸۳/۳/۴ توسط ستاد برگزاری مراسم روز بهره‌وری برگزار و با سخنرانی معاون محترم وقت رئیس جمهوری و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور افتتاح شد.

گزارش پیوست که طبقه‌بندی کلان بهره‌وری بین صنایع کشور در **اقتصاد بدون اتکاء به درآمدهای نفت** است، نتیجه استنباط اینجانب از مطالب مطروح در آن مراسم بود که ضمن ارائه یک مدل توسعه صنعتی، امید است تا با بررسیهای تخصصی بیشتر به ساماندهی مصرف و تعریف سلسله مراتبی از صنایع صنعت ساز کشور موفق شویم.

بیان الگو

۱- به شرط ثابت ماندن نرخ ارز و داشتن تورم یک رقمی (حداکثر ۹/۹٪ در سال) اگر قرار باشد که GNP کشور با متوسط ۱۵/۳۴٪ رشد سالانه از ۱۲۰ میلیارد دلار به ۵۰۰ میلیارد دلار طی ۱۰ سال آینده افزایش یابد، لازم است که میانگین نرخ رشد واقعی تولید ناخالص ملی حداقل $9/9\% - 15/34\% = 5/44\%$ در سال باشد.

نظر به اینکه ضریب تعدیل GNP حدوداً از ۲۱/۵ در سال ۱۳۷۰ به ۱۹۱ در پایان سال ۱۳۸۰ رسیده که بطور متوسط ۲۴/۴٪ افزایش در سال را نشان می‌دهد، مهار یک چنین تورمی و محدود کردن آن در سطح حداکثر ۹/۹٪ - آنها هم با توجه به نوسانات مهم نرخ ارز- به راحتی ممکن نخواهد بود. افزایش نرخ ارز در صورتی به حال اقتصاد جامعه مفید خواهد بود که با احتساب هزینه ارزی تولیدات داخل به رونق صادرات کمک نماید والا صادر کردن یک فرش دستباف به قیمت یک دست کت و شلوار معمولی و یا صادر کردن یکدست کت و شلوار به قیمت یک جفت جوراب مفهومی جز به باد دادن سرمایه‌های ملی و جان‌کندن برای رفاه خارجی نخواهد داشت.

۲- اکنون فعالیتهای اقتصادی کشور را به ۱۱ بخش عمده به شرح زیر تقسیم می‌نمائیم:

۱- کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری

۲- معدن

۳- صنعت

۴- تأمین آب، برق و گاز طبیعی

۵- ساختمان

۶- بازرگانی (عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالا)، رستوران و هتلداری

۷- حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات

۸- خدمات مؤسسات مالی و پولی

۹- مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار

۱۰- خدمات عمومی (اداره امور عمومی، دفاع، تأمین اجتماعی، آموزش، بهداشت و مددکاری اجتماعی)

۱۱- سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی

بررسی ستانده و مصارف واسطه فعالیت‌های اقتصادی بخش‌های فوق براساس یک مدل ساده به روش
تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) نشان می‌دهد که به ظاهر تمامی فعالیت‌های اقتصادی کشور بر
حسب بخش‌های عمده اقتصادی در مرز کارائی قرار دارند که از نظر اولویت ولو با تفاوت بسیار اندک به
شرح زیر قابل طبقه‌بندی هستند:

- ۱- بازرگانی، رستوران و هتلداری
 - ۲- تأمین آب، برق و گاز طبیعی
 - ۳- صنعت
 - ۴- ساختمان
 - ۵- کشاورزی، شکار، جنگلداری و شیلات
 - ۶- معدن
 - ۷- واسطه‌گری مؤسسات مالی و پولی
 - ۸- حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات
 - ۹- مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار
 - ۱۰- سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی
 - ۱۱- خدمات عمومی (دفاع، تأمین اجتماعی و ...)
- به عبارت دیگر وضعیت موجود کارائی فعالیت‌های اقتصادی بخش‌ها به ترتیب اولویت عبارت است از:

- ۱- خدمات خصوصی و عمومی نیمه خصوصی
- ۲- صنعت
- ۳- کشاورزی
- ۴- خدمات عمومی و دولتی

و حال آنکه وضعیت ایده‌آل با توجه به امکانات کشور باید بصورت تقسیمات ۳ گانه ذیل باشد:

- ۱- کشاورزی
- ۲- صنعت
- ۳- خدمات

اگر با توجه به بینش اقتصادی به مطالب فوق توجه کنیم می‌توانیم نقاط قوت و ضعف نتیجه
برنامه‌ریزی‌های قبل را به شرح زیر بشناسیم.

الف - نقاط قوت:

- بخشهای بازرگانی، رستوران و هتلداری و همچنین بخش تأمین آب، برق و گاز می‌تواند از نظر محل تأمین مالیات بیشترین منابع مالی را در اختیار توسعه اداره امور عمومی و خدمات دولتی نظیر دفاع، تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش و بهداشت قرار دهد.
- بخش صنعت می‌تواند به توسعه معدن و بخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات کمک نماید.
- همکاری بخشهای ساختمان و مؤسسات مالی و پولی ضمن ایجاد اشتغال و ارزش افزوده می‌توانند به توسعه متقابل یکدیگر کمک نمایند.
- بخش کشاورزی برای توسعه به همکاری بخشهای نظیر تأمین آب، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، صنعت و مؤسسات مالی و پولی نیازمند است تا از کشاورزی سنتی و معیشتی به کشاورزی بازار محور و تجاری متحول شود.

ایران سرزمین پهناور است که عملاً ۸۰٪ آن بیابانی و کوهستانیست و هر ساله نیز خشکسالی را به مقیاس وسیع تجربه می‌نماید. به عبارت دیگر خاک قابل کشاورزی از منابع بسیار محدود ایران است و در شرایطی که کشورهای پیشرفته و صنعتی با مسکونی کردن کویرها ضمن بیابان زدائی از منابع کشاورزی پاسداری می‌نمایند متأسفانه ما شاهدیم که چگونه در ایران اراضی شمال کشور که تأمین کننده کار و معاش جمعیت ۱۲۰ میلیونی ایران ۲۰ سال آینده است به ویلا سازی اختصاص یافته و عملاً در حال تخریب است.

نتیجه این قبیل بی‌توجهی به حفظ منابع کشاورزی، وارد کردن نان بسته‌بندی شده در آینده خواهد بود و نه حرکت به سمت کشاورزی بازار محور و در این رابطه لازم است که جهت اجتناب از بحران تغذیه در آینده اقتدار عمومی بصورت یک برنامه‌ریز دوراندیش عمل کند و نه بصورت یک دولت تاجر.

حدود ۲۰ سال پیش یکی از کانالهای تلویزیونی فرانسه فیلم مستندی از برنامه‌ریزی در ایالات متحده آمریکا نشان داد که در آن گفته می‌شد ایالات متحده آمریکا از هم‌اکنون قرن ۲۴ خود را برنامه‌ریزی کرده است. لذا ملاحظه می‌شود در دنیاییکه برنامه‌ریزان کشورهای موفق از هم‌اکنون ۴ قرن بعد خود را می‌بینند مقتضی است که ما حداقل ۲۰ سال آینده خود را به درستی ببینیم تا پس از گذر ۲۰ سال، تاوان سنگینی بابت از دست دادن فرصتهای طلائی نداده باشیم.

ب- نقاط ضعف

اکنون این سؤال مطرح است که ضعف برنامه‌ریزیهای گذشته در چیست؟

در قالب یک مدل پیشنهادی می‌توان تابع مصرف کلان را بصورت رابطه زیر نشان داد:

$$C = A.m.^{\alpha} . i^{\beta}$$

$$\alpha + \beta = 1$$

- C هزینه‌های مصرفی خصوصی و دولتی
- m واردات کالا و خدمات
- i سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی شامل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بعلاوه تغییر در موجودی انبار
- α (درصد تغییر در واردات) \div (درصد تغییر در درآمد)
- $\beta = 1 - \alpha$ (درصد تغییر در سرمایه‌گذاری) \div (درصد تغییر در درآمد)

این تابع چنین مقرر می‌دارد که A مقدار افزایش در واردات (به شرط ثابت ماندن سایر عوامل) منجر به

α مقدار افزایش در مصرف و نیز A مقدار افزایش در سرمایه‌گذاری (به شرط ثابت ماندن سایر عوامل) به β

مقدار افزایش در مصرف منجر خواهد شد.

از محاسبات صورت گرفته به نرخ جاری توابع زیر بدست آمده است :

$$C = 2/42 \times m^{0/56} \times i^{0/44} \quad \text{تابع مصرف سالهای ۱۳۵۳ لغایت ۱۳۵۷}$$

$$C = 2/92 \times m^{0/07} \times i^{0/93} \quad \text{تابع مصرف سالهای ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۷۹}$$

همانگونه که ملاحظه می‌شود توابع مصرف از نوع کاب - داگلاس همگن درجه یک است و از نتایج بدست

آمده آثار ذیل قابل استخراج است.

۱- ب) اثر واردات بر سرمایه‌گذاری

نتیجه تقسیم زیر که برگرفته از تابع مصرف سالهای ۱۳۵۳ لغایت ۱۳۵۷ است، قابل تعمق می‌باشد :

$$\frac{\alpha}{\beta} = \frac{\frac{\% \Delta y}{\% \Delta m}}{\frac{\% \Delta y}{\% \Delta i}} = \frac{\% \Delta i}{\% \Delta m} = \frac{0/56}{0/44} = 1/3 \approx 1$$

مطابق این تابع هر ۱۰٪ افزایش در واردات باعث تقریباً ۱۳٪ افزایش در سرمایه‌گذاری می‌شد. و حال آنکه مطابق تابع مصرف سالهای ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۷۹ هر ۱۰٪ افزایش در واردات بزحمت باعث ۱٪ افزایش در سرمایه‌گذاری شده است.

بعبارت دیگر اقتصاد کشور در دهه ۱۳۷۰ عملاً وارد کننده کالاهای مصرفی بوده است و نه وارد کننده کالاهای سرمایه‌ای که ایجاد کننده ظرفیتهای جدید اقتصادی و اشتغال است که آثار سوء آن اکنون به صورت تأخیر طولانی در اجرای برنامه‌های عمرانی، فشارهای تورمی و افزایش بیکاری مشهود می‌باشد.

۲- ب) اثر واردات بر مصرف

مقایسه مقادیر A ، α و β نشان می‌دهد که مطابق تابع مصرف مربوط به سالهای ۱۳۵۳ لغایت ۱۳۵۷ هر ۱۰۰ واحد افزایش در واردات به ۲۳ واحد افزایش در مصرف منجر می‌شد و حال آنکه مطابق تابع مصرف مربوط به دهه ۱۳۷۰، هر ۱۰۰ واحد افزایش در واردات فقط به ۲/۴ واحد افزایش در مصرف منجر شده است. به عبارت دیگر در سالهای اخیر هزینه واردات کالاهای مصرفی برای اقتصاد ایران نسبتاً سنگین و یا به علت عدم مراقبت صحیح و نظارت بر حفظ و توزیع به موقع آنها، تضییع و اتلاف کالاها نسبتاً زیاد بوده است.

۳- ب) اثر سرمایه‌گذاری بر مصرف

تحلیل فوق در بخش سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که در سالهای ۱۳۵۳ لغایت ۱۳۵۷، اگر ۱۰۰ واحد افزایش در سرمایه‌گذاری به ۱۸/۲ واحد افزایش در هزینه‌های مصرفی منجر می‌شد در خلال دهه ۱۳۷۰، هر ۱۰۰ واحد افزایش در سرمایه‌گذاری به ۳۱/۸ واحد افزایش در هزینه‌های مصرفی منجر گردیده. به عبارت بهتر در دهه ۱۳۷۰ و در مقایسه با پنج سال آخر منتهی با ۱۳۵۷ یک سرمایه‌گذاری مشابه، هزینه‌های مصرفی بیشتری را به جامعه تحمیل کرده است بقسمی که اثر مستقیم افزایش در هزینه‌های مصرفی آن حداقل ۷۵٪ $= 100 \times [18/2 - 31/8]$ بوده است.

یعنی علیرغم داشتن یک اقتصاد جنگ زده، محدودیت منابع دولتی، تحریم اقتصادی، عدم حضور فعال بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی در اقتصاد کشور و سایر مشکلات مشابه، اعمال مدیریت اقتصادی و

نظارت بر اجرای صحیح برنامه‌های عمرانی به گونه‌ای بوده است که عملاً به افزایش فشارهای اقتصادی مانند تورم، بیکاری و مشکلات معیشتی اقشار ضعیف جامعه منجر گردیده.

در قالب سناریوی دیگری که اطلاعات آماری سالهای ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۷۹ را شامل می‌شود، برآزش تابع خطی مصرف کلان کشور بصورت $C = 1/31 m + 2/158 i$ می‌باشد که نتایج آن نیز قابل تعمق است. مطابق محاسبات ملاحظه می‌شود ضرایب واردات و سرمایه‌گذاری مثبت و بزرگتر از یک می‌باشند که نشاندهنده اثر واردات و سرمایه‌گذاری بر افزایش کالاهای مصرفی و غیر سرمایه است.

به عبارت دیگر طی دهه ۱۳۷۰ کشور بیشتر واردکننده کالاهای مصرفی بوده است و نه وارد کننده فناوری و کالاهای سرمایه‌ای که نتیجه آن اکنون بصورت تأخیر طولانی در رسیدن به اهداف برنامه‌ها و افزایش شاخص فلاکت (نرخ تورم + نرخ بیکاری) در جامعه مشهود است. در این رابطه خوانندگان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به کتب اقتصاد کلان و منابع بانک مرکزی و مرکز آمار ایران مراجعه نمایند.

حال چه باید کرد؟

در نگاه اول مقتضی است که یارانه‌ها به تولید و کمک‌های اجتماعی به اقشار آسیب پذیر تخصیص یافته و با ساماندهی مصرف و اولویت دادن به توسعه فراگیر صنعتی، زمینه دستیابی به اهداف کلان توسعه فراهم شود.

اما چگونه؟

جامعه اروپا پس از خروج از بحران جنگ جهانی دوم و ورود به دوران سازندگی، با بررسی روابط بین صنایع اروپا در سال ۱۹۵۳ میلادی، با توجه به معیار بهترین مشتری به تعریف یک نوع سلسله مراتب صنعتی تحت عنوان صنایع صنعت ساز اقدام نمود.

مطابق تعریف، یک صنعت صنعت ساز، صنعتی است که با خرید از صنایع پایین دست خود ضمن رونق فعالیتهای خود به توسعه صنایع پایین دست نیز کمک می‌کند.

در این سلسله مراتب، صنایع پایین دست بر حسب بیشترین فروش در اولویت قرار گرفته و صنعت صنعت ساز بر حسب بیشترین خرید در رأس صنایع پایین دست خود قرار خواهد گرفت.

روابط بین صنایع اروپا در سال ۱۹۵۳ برحسب صنایع صنعت ساز و معیار بهترین مشتری به قرار زیر بوده است.

- | | |
|--------------------------|--|
| ۱- پارچه و پوشاک | ۱۴- فلزات غیر آهنی |
| ۲- فیبر و نخ مصنوعی | ۱۵- سیمان |
| ۳- چرم و پوست | ۱۶- خمیر و کاغذ |
| ۴- دخانیات | ۱۷- صنایع چوبی |
| ۵- صنایع کشاورزی و غذایی | ۱۸- صنایع شیمیایی |
| ۶- کشاورزی | ۱۹- شیشه و شیشه‌گری |
| ۷- ماهیگیری | ۲۰- جنگلکاری |
| ۸- مسکن | ۲۱- حمل و نقل |
| ۹- ساخت و ساز و ساختمان | ۲۲- ذغال <i>Coke</i> ، گاز و مشتقات آن |
| ۱۰- صنایع برق و مکانیک | ۲۳- سوخته‌های معدنی جامد |
| ۱۱- ذوب فلزات | ۲۴- نفت |
| ۱۲- تجارت و خدمات متفرقه | ۲۵- حمل و نقل دریایی |
| ۱۳- سایر صنایع | ۲۶- دولت و امور عمومی |

امیداست که در ایران اسلامی نیز مدیران و برنامه‌ریزان کشور _ ضمن شناخت ضعفها و قوتها _ با

بهره‌گیری از الگوهای مشابه هرچه سریعتر به حل مشکلات توسعه اقدام و نایل آیند.

و من ا... توفیق

باز نگری د یمه ۱۳۸۸

harvaneh@hotmail.com

تلفن تماس: ۸۸۱۸۲۹۵۸ - ۸۸۱۱۲۹۰۸